

نقش تئوری تبادل اجتماعی در پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده

1. مهناز شریفیان، 2. مجید صفاری نیا*، 3. سوسن علیزاده فرد

1. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ایران، 2. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

3. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(تاریخ وصول: 97/12/12 - تاریخ پذیرش: 99/03/15)

The Role of Social Exchange Theory in Predicting Unconsummated Marriage

1. Mahnaz Sharifain, 2. Majid Saffarinia*, 3. Susan Alizadeh Fard

1. PHD student, Department of Psychology, Islamic Azad University, Saveh, Iran. 2. Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran, 3. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Received: Mar. 03, 2019 - Accepted: Jun. 04, 2020)

Abstract

چکیده

Objective: Given that sexual problem are multifactorial, and less has been dealt with this field so far from the point of view of social psychology. The aim of this research was to investigate the role of social exchange theory in predicting unconsummated marriage. **Method:** This study was descriptive kind of correlation. Statistical population was composed of all women that referred to sexual clinics of Tehran city that 220 qualified women selected by clustering sampling method. The research tool include Multidimensional Vaginal Penetration Disorder Questionnaire (Molaie Nezhad, et al, 2014), and Social Exchange Styles Scale (Leybman etai. 2011). **Results:** The results showed that tracking style ($r=0/244$, $p= 0/001$), individualism ($r=-0/283$, $p= 0/001$), and benefit-seeking styles ($r=- 0/289$, $p= 0/001$) had a significant positive correlation and fairness ($r=0/277$, $p= 0/0001$), and overinvestment ($r=0/379$, $p= 0/0001$), significant negative relationship with unconsummated marriage disorder. Also, the results of multivariate regression showed that only the fairness style predicts 40% of the variance of unconsummated marriage disorder. **Conclusion:** Given that social exchange styles, especially the fairness style, are effective in the treatment of unconsummated marriage, appropriate training in this field can be helpful in family sustainability.

مقدمه: با توجه به اینکه مسائل جنسی چندعاملی هستند و تاکنون از منظر روانشناسی اجتماعی به این موضوع کمتر پرداخته شده است، لذا این پژوهش به منظور بررسی نقش تئوری تبادل اجتماعی در پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده صورت گرفت. روش: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌های جنسی شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای 220 نفر از زنان واجد شرایط انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از ابزار زنانه چندوجهی اختلال دخول واژینال مولائی نژاد و همکاران (2014) و پرسشنامه تبادل اجتماعی لیمین و همکاران (2011) به عنوان ابزار استفاده گردید. یافته‌ها: نتایج نشان داد، سبک‌های پیگیری منفعت‌طلبی ($r= 0/244$ و $p=0/001$)، فردگرایی ($r=-0/289$ و $p=0/7$) و منفعت‌طلبی ($r= -0/283$ و $p=0/0001$) رابطه مثبت معنی‌دار و سبک‌های انصاف ($r= 0/379$ و $p=0/0001$) و سرمایه‌گذاری افراطی ($r= 0/277$ و $p=0/0001$) رابطه منفی معنی‌دار با اختلال ازدواج به وصال نرسیده دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندمتغیری نشان داد که تنها سبک انصاف 14 درصد از واریانس اختلال ازدواج به وصال نرسیده را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه سبک‌های تبادل اجتماعی به‌خصوص سبک انصاف در اختلال ازدواج به وصال نرسیده مؤثر است، به‌کارگیری آموزش‌های مناسب در این زمینه می‌تواند در پایداری خانواده کمک‌کننده باشد.

Keywords: Social Exchange Theory, Unconsummated Marriage, Fairness Style.

واژگان کلیدی: تئوری تبادل اجتماعی، ازدواج به وصال نرسیده، سبک انصاف.

*نویسنده مسئول: مجید صفاری نیا

*Corresponding Author: Majid Saffarinia

Email: saffarinia@pnu.ac.ir

مقدمه

طور ناخودآگاه از آن جلوگیری می‌کنند. این اختلال یکی از اختلالاتی است که در کشور ما شیوع قابل‌توجهی دارد (بهرامی و همکاران، 1392)؛ به عبارت دیگر در جوامعی که از یک سو صحبت درباره مسائل جنسی برای دختران مجرد امری شرم‌آور و از سویی پرده بکارت در شب عروسی دارای ارزش فرهنگی قوی است، این مشکل شیوع بالایی دارد (مولایی نژاد و همکاران، 1392). بسیاری موارد که در ایران مطالعه شده است، نشان داده است که فاکتورهای روانی نامطلوب از جمله ترس از رابطه جنسی، ناخوشایندی یا بی‌میلی به همسر، اضطراب در عملکرد جنسی و انزال زودرس می‌تواند در اختلال UM نقش داشته باشد (ناصری و همکاران، 2015). از آنجایی که مطالعات همه‌گیرشناسی عمدتاً فاقد سؤالاتی درباره این اختلال هستند، شیوع این عارضه به‌خوبی مشخص نیست، هرچند برآورد می‌شود که بین یک تا شش درصد در نوسان باشد (ترکیوله و ویجنبرگ⁵، 2010). ایزدی دهنوی، یعقوبی و حیدری نسب (2016) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که موانع اجتماعی و فرهنگی، وجود تابوها و کج‌فهمی‌ها، برآورد دقیق این اختلال را دشوار می‌کند و باعث می‌شود که تفاوت‌های نژادی، قومی و فرهنگی و سنت‌های حاکم بر جامعه بر گزارش‌های این اختلال در بین افراد تأثیر بگذارد؛ بنابراین عوامل فرهنگی - اجتماعی نقش مهمی در این زمینه دارند.

خانواده قدیمی‌ترین و کهن‌ترین نهاد اجتماعی است که با روابط زناشویی یا پیوند زن و شوهر آغاز می‌شود و بسته به کیفیت این رابطه پایداری یا ناپایداری آن تعیین می‌شود (عزیزپور و صفرزاده، 1395). بعد از ازدواج، مقاربت و فعالیت‌های جنسی به طور طبیعی و متقابل از هر زوج انتظار می‌رود. در بعضی موارد زوجین قادر به برقراری رابطه جنسی کامل یا به عبارتی مقاربت واژینال نیستند که در این حالت اختلال ازدواج به وصال نرسیده¹ (UM) تعریف می‌شود (ازدمیر² و همکاران، 2008). اولین بار بالینت³ (1961) طی مطالعه‌ای به این اختلال اشاره کرد و بعدها محققین دیگری این اختلال را بسط و گسترش دادند. مطالعات نشان می‌دهد که نه تنها در اولین برقراری رابطه بلکه حتی سال‌ها ممکن است، این حالت دوام داشته باشد (بکایی و همکاران، 2017). چاکرارتی⁴ (2002) یک مورد ازدواج به وصال نرسیده را بعد از 22 سال گزارش کرد. در ایران نیز مواردی از UM مشاهده شده است که زن و شوهر حتی پس از گذشت 15-18 سال از زندگی مشترک هنوز موفق به برقراری رابطه جنسی کامل نشدند (افتخار اردبیلی، به نقل از بهرامی، افتخار، کیامنش و سخندان، 1392). در این اختلال زنان مبتلا تمایل به برقراری رابطه جنسی با همسرشان را دارند اما وقتی می‌خواهند، آماده برقراری رابطه شوند، به

1. Unconsummated Marriage

2. Ozdemir

3. Balint

4. Chakrabarti

5. Ter Kuile, M. M., & Weijnen

اجتماعی مراجع است. تئوری تبادل اجتماعی یک رویکرد روانشناسی اجتماعی است که روابط اجتماعی را به عنوان یک فرآیند تبادلی بین دو شریک تشریح می‌کند که مبتنی بر مفهوم پاداش‌ها، تنبیه‌ها و منابع است. لیمن و همکارانش⁵ (2011) طی مطالعه‌ای نشان دادند که تبادل اجتماعی دارای پنج مؤلفه پیگیری⁶ (پایش مکرر و دقیق هزینه و سود)، انصاف⁷ (برابری خواهی)، فردگرایی⁸ (رجحان برای خوداتکایی و سرمایه‌گذاری اندک)، منفعت‌طلبی⁹ (تمایل به افزایش حتی‌الامکان سود) و سرمایه‌گذاری افراطی¹⁰ (سرمایه‌گذاری بدون الزام یا انتظارات سرمایه‌گذاری برابر از جانب دیگران) است، این نظریه مطرح می‌کند که روابط انسانی بر اساس هزینه - سود تشکیل و نگهداری می‌شوند. به عنوان مثال زمانی که یک فرد هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافعش درک می‌کند، تئوری تبادل اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که این شخص احتمالاً تصمیم به ترک این رابطه می‌کند. این تئوری در رابطه زناشویی هم مؤثر است. تئوری تبادل اجتماعی یک چهارچوب نظری پایدار برای بررسی فرایندها و روابط خانوادگی و زناشویی است که توجیه و تبیین مناسبی برای کیفیت و نحوه روابط زناشویی ارائه می‌کند (ناکونزی و دنتن¹¹، 2008؛ پری، 2004).

اختلال UM علت‌های مختلف روان‌شناختی، زیستی، فرهنگی و اجتماعی دارد که هنوز از لحاظ سبب‌شناسی جنبه‌های مبهم زیادی دارد. در واقع فهم جامعی از فاکتورهای علت شناختی به اندازه اهداف درمانی موفق برای کاهش رنج اختلال، حیاتی است (بانرجی و سینگلا¹، 2017). چیزی که امروزه در مورد سبب‌شناسی مشکلات جنسی مطرح می‌شود، جنبه چندعاملی و چندبعدی بودن مشکلات جنسی است. پزشکان و سایر متخصصان سلامت ممکن است به مؤلفه فیزیولوژیکی بپردازند، یک درمانگر آموزش دیده روان‌پوشی ممکن است به شناسایی بعد روانی فرد بپردازد و یک زوج درمانگر ممکن است، منحصرأ بر روی زوجین کار کند، در حالی که برای پرداختن به بررسی زمینه مشکل، باید نقش‌ها و هویت‌های مراجع نیز در درون دنیای اجتماعی او بررسی شود (روزنباوم²، 2009). در این خصوص بررسی از منظر روانشناسی اجتماعی جالب و در عین حال مهم و قابل توجه است. بررسی پیشینه مطالعاتی نشان داده است که اختلال UM یک پدیده اجتماعی است (پری³، 2004؛ خجسته مهر، فرامرزی و رجبی، 1391؛ مولایی نژاد و همکاران، 2013). در همین راستا، یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند در این زمینه مطرح شود، تئوری تبادل اجتماعی⁴ است. نظریه تبادل اجتماعی اعتقاد دارد که باید به یک بعد دیگر در اختلالات جنسی توجه شود که آن بعد، تعاملات

5. Leybman

6. Tracking

7. Fairness

8. Individualism

9. Benefit-seekin

10. Overinvestment

11. Nakonezny, P.A., Denton

1. Banerjee K, Singla

2. Rosenbaum

3. Perry

4. Social Exchange Theory

اظهار می‌دارد که تبادل پول، هدیه و هر چیز دیگری به زنان از طرف مردان، مکانیسم‌هایی را فعال می‌کند که نشان می‌دهد بین این نوع تبادلات مادی و فعالیت‌های جنسی رابطه وجود دارد. همچنین وامویی⁴ و همکاران (2015) در پژوهشی که در مورد نقش تبادل اجتماعی در عملکرد جنسی انجام دادند، دریافتند که برخی از روابط جنسی می‌توانند به صورت تبادلات محصول ملاحظه شوند، چون زنان می‌دانند که وصول وعده پول به آنان به این معنی است که باید به یک رابطه جنسی ناامن تن دهند که در چنین شرایطی عملکرد جنسی و لذت جنسی همراه آن برای زنان بسیار تضعیف می‌شود؛ بنابراین پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد، زنانی که ادراکات بهتری از تعادل بین هزینه‌ها و پاداش‌های جنسی دارند، عملکرد و رضایت جنسی بهتر و مطلوب‌تری را در رابطه جنسی خود تجربه می‌کنند (سانچز - فنتز و سانتوس - ایگلاس⁵، 2016؛ استفنسون و مستون⁶، 2011؛ عزیزپور و صفارزاده، 2016، شریفیان، صفاری نیا و علیزاده فرد، 1397a).

در مجموع مدل‌های جدید عملکرد جنسی زنان پیشنهاد می‌کنند که زنان به خاطر اینکه به صمیمت عاطفی برسند، وارد رابطه جنسی با همسرشان می‌شوند نه به خاطر ارضای غریزشان (سانچز - فنتز و سانتوس - ایگلاس، 2016)؛ بنابراین عدم تمایل یا تحریک زنان نه تنها باید در بافت زیست پزشکی بررسی شود، بلکه باید زمینه‌های اجتماعی ارتباطی‌شان هم مورد بررسی

به عنوان مثال طبق این دیدگاه انزال زودرس یک مرد به عنوان تنبه یا مجازات عمل می‌کند چرا که احساس بی‌عدالتی در رفتار همسرش درک کرده است (روزنباوم، 2009). به طور کلی نظریه تبادل اجتماعی که در پژوهش‌های مربوط به ازدواج و روابط بسیار نزدیک عنوان شده است از نظریه وابستگی میان فردی تایبوت و کلی¹ (1959) گرفته شده است و بیان می‌کند روابط رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، محو می‌شوند و به عنوان یک پیامد یک فرایند تبادل اجتماعی آشکار منحل می‌شوند که ممکن است به عنوان دادوستد پاداش‌ها و هزینه‌ها میان زوجین و دیگران تلقی شود (به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1391). کلارک² و همکاران (2015) در مورد نقش تبادل اجتماعی و روابط پیش از زناشویی مطالعه‌ای انجام دادند، دریافتند که تبادل اجتماعی بین زوجین که معمولاً به صورت دادن پول و هدیه به زن از طرف مرد در روابط پیش از زناشویی اتفاق می‌افتد، اغلب به صورت مکانیسم‌هایی عمل می‌کند که بخشی از روابط عاشقانه محسوب می‌شوند و در بیشتر موارد به ازدواج دائمی و پایداری منجر می‌شود. از طرفی نتیجه پژوهش هوپ³ (2014) نشان داد که زمانی که روابط تبادل (حالت بده و بستان) در بین زن و شوهر خیلی شدید باشد (مانند درخواست پول یا منابع خیلی زیاد)، زنان را در فعالیت‌های جنسی ناتوان می‌سازند و آن‌ها را از صحبت کردن درباره مسائل جنسی بر حذر می‌دارد. نظریه تبادل اجتماعی

4. Wamoyi

5. Sánchez-Fuentes, Santos-Iglesias

6. Stephenson, Meston,

1. Thibaut, Kelley

2. Clark

3. Hope

(کنریک³ و همکاران، 2003). همچنین مطالعات نشان داده است که نظریه تبادل اجتماعی در چارچوب پول و عشق در بین زوجین حائز اهمیت است که می‌تواند روابط عاشقانه و صمیمیت و انگیزه‌ها و تمایلات جنسی و سطح رضایتمندی زناشویی و جنسی را در آن‌ها تحت تأثیر قرار دهد (کارنوال⁴ و همکاران، 2014) پس این دیدگاه به طور نظری می‌تواند در نحوه نگرش‌های جنسی زوجین مؤثر باشد (نیابوت و کلی، 1959). لذا پژوهش حاضر سعی دارد مطابق با پیشینه نظری، بستری جهت بررسی به این موضوع توسط مطالعات آینده‌نگر فراهم کند. زمانی که ازدواج و یک رابطه زناشویی بین دو نفر شکل می‌گیرد، به نظر می‌رسد که ادراک و نگرش طرفین نسبت به سود و منفعتی که از این رابطه به دست می‌آورند، می‌تواند نقش سایر عوامل تأثیرگذار بر این رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. از طرفی هایبرل⁵ (2011) اعتقاد دارد که دخول به طور سنتی به عنوان جزئی ضروری از یک ازدواج شناخته شده و بسیاری از آداب مذهبی ادیان مختلف، به وصال رسیدن را از طریق رابطه جنسی ضروری دانسته و معتقد هستند ازدواج، به عنوان یک قرارداد الزام‌آور تکمیل نمی‌شود، مگر اینکه منجر به دخول واژینال شده باشد. لذا با تأکید بر پیشینه نظری و مطالعاتی، با توجه به این که مسائل جنسی چندعاملی هستند و این اختلال در ایران هم از شیوع قابل توجهی برخوردار است و تاکنون از منظر روانشناسی اجتماعی به این موضوع کمتر پرداخته شده است،

قرار گیرد (باسون¹، 2005). از آنجایی که مشکلات جنسی چندعاملی هستند متخصصان باید به همه عوامل توجه کنند، باید نقش و هویت افراد در دنیای اجتماعی هم مورد بررسی قرار گیرد. همان‌طور که پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد، چگونگی تبادل اجتماعی بین زن و شوهر برای رابطه جنسی و در هنگام فعالیت‌های جنسی تا حدود زیادی تحت تأثیر نگرش‌های جنسی زن و شوهر است (بایومیستر²، 2014)، از طرفی تئوری تبادل اجتماعی یک چارچوب بالقوه مفید برای ارزیابی مسائل جنسی را فراهم می‌کند و تعداد کمی از محققان از این متغیر استفاده کرده‌اند. پژوهشگرانی همچون پری (2004) عنوان کرده‌اند که نظریه تبادل اجتماعی از جمله تئوری‌هایی است که می‌تواند برای درک و تبیین پویایی‌های ازدواج به کار گرفته شود. به طور کلی ادراک زن در تعامل اجتماعی با شوهر در هنگام درخواست و انجام رابطه جنسی می‌تواند رفتار جنسی و هیجان‌ها و لذت همراه با آن را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهد. نتایج مطالعات در مورد نقش تبادل اجتماعی در عملکرد جنسی و نگرش‌های جنسیتی زنان و مردان نشان داده است که تبادل اجتماعی بین زن و شوهر در خصوص مسائل زناشویی و روابط جنسی، نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی مانند «بده و بستان» و «هزینه و پاداش» در آنان شکل می‌دهد که به طور اساسی عملکرد جنسی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزون بر این، این دیدگاه‌ها می‌تواند به شکلی قوی‌تر از سایر عوامل تأثیرگذار در کارکرد جنسی ظاهر شود

3. Kenrick

4. Cornwall

5. Haeberle

1. Basson

2. Baumeister

موارد لازم اعم از اهداف پژوهش، رازداری، عدم افشاء اطلاعات افراد شرکت‌کننده و غیره به افراد شرکت‌کننده داده شد.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش: پرسشنامه تبادل اجتماعی: پرسشنامه تبادل اجتماعی

توسط لیمن¹ و همکاران (2011) طراحی شده و مشتمل بر 54 گویه و پنج خرده مقیاس پیگیری، انصاف، فردگرایی، منفعت‌طلبی و سرمایه‌گذاری افراطی است. این مقیاس در ایران توسط صفاری نیا (1394) هنجار گردید. در پژوهش صفاری نیا (1394) ابتدا به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و بر روی 470 زن و مرد شهر تهران اجرا شد. این پرسشنامه که از نوع مداد - کاغذی و خودگزارش‌دهی است، گویه‌ها در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم = 1 تا کاملاً موافقم = 5) نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش صفاری نیا (1394) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با 0/83 به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است. همچنین، نتایج پژوهش جهت تعیین روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان حاکی از روایی محتوایی پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) از طریق چرخش واریماکس مؤید وجود پنج عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک و نیم تحت

پژوهش حاضر سعی دارد به این سؤال اساسی بپردازد که مشکلات جنسی زنان به چه میزان متأثر از سبک‌های تبادل اجتماعی است؟ یا به عبارتی آیا تئوری تبادل اجتماعی می‌تواند اختلال ازدواج به وصال نرسیده را پیش‌بینی و تبیین کند؟

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌های سلامت جنسی شهر تهران که دارای اختلال ازدواج به وصال نرسیده بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین کلینیک‌های شهر تهران پنج کلینیک (نیک اندیشه پیشرو، درخشش تازه و کلینیک تخصصی اورولوژی زنان و سلامت جنسی) انتخاب و 220 نفر از زنان مراجعه‌کننده بر اساس ملاک‌های تشخیصی DSM-5، تشخیص روان‌پزشک و یک روان‌شناس بالینی که دارای اختلال ازدواج به وصال نرسیده بودند، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از شرایط ورود به نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: داشتن سن بین 28 تا 38 سال، نداشتن هیچ‌گونه مشکلات جنسی شامل عدم برانگیختگی و تحریک، نداشتن مشکلات جسمانی و پزشکی، عدم مصرف دارو، نداشتن هرگونه عفونت لگنی، عدم سابقه ازدواج مجدد و عدم وجود مشکل جنسی در همسر و اینکه حداقل یک سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد. لازم به ذکر است که ابتدا فرم رضایت آگاهانه در اختیار افراد شرکت‌کننده قرار گرفت و تمام

1. Leybman

بخش دوم مطالعه با استفاده از کدها، مفاهیم و تم‌های به دست آمده در مراحل کیفی، گویه‌های دو پرسشنامه زنانه و مردانه طراحی و پس از تعیین روایی صوری و محتوی به ترتیب با 76 و 45 گویه توسط 214 زوج که از طریق فراخوان به سه کلینیک جنسی مراجعه کرده بودند و بر اساس معیارهای DSM-IV علت اختلال ازدواج به وصال نرسیده در آن‌ها تعیین شده بود، تکمیل شد. سپس با تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی اعتبار سازه‌های پرسشنامه بررسی شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق همسانی درونی 0/79 گزارش شد. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/77 به دست آمد.

داده‌های جمع‌آوری شده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. در بخش استنباطی با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و اهداف پژوهش، داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و حداقل و حداکثر نمره) متغیرهای پژوهش در جداول 1 ارائه شده است.

عنوان «پیگیری»، «انصاف»، «فردگرایی»، «منفعت‌طلبی» و «سرمایه‌گذاری افراطی» با تغییر در برخی گویه‌های اصلی و حذف گویه‌هایی بوده است؛ بنابراین نسخه اصلی به نسخه 41 گویه کاهش پیدا کرد. به علاوه، پایایی این ابزار در پژوهش حاضر در مؤلفه‌های انصاف، منفعت‌طلبی، فردگرایی، پیگیری و سرمایه‌گذاری افراطی به ترتیب 0/664، 0/675، 0/692، 0/687 و 0/659 است.

پرسشنامه اختلال ازدواج به وصال نرسیده: برای اندازه‌گیری اختلال ازدواج به وصال نرسیده از پرسشنامه ابزار زنانه چندوجهی اختلال دخول واژینال¹ (MVPDQ) مولائی نژاد، لطیف نژاد، یوسفی، صالحی و مرقاتی خوئی (2014) استفاده شد. این پرسشنامه دارای 72 آیتم و 9 مؤلفه است. اعتبار خرده مقیاس‌ها به روش بازآزمایی بین 0/70 تا 0/87 به دست آمد. نمره‌گذاری در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم = 1 تا کاملاً موافقم = 5) و در مورد جنبه‌های مثبت نمره‌گذاری برعکس است. مولایی نژاد و همکاران (2014) با هدف طراحی و روان‌سنجی ابزاری برای ارزیابی اختلال دخول واژینال با رویکرد کیفی - کمی اکتشافی مطالعه‌ای انجام داد. در بخش نخست مطالعه مذکور داده‌ها از طریق مصاحبه فردی و زوجی با 20 زوج مبتلا به اختلال ازدواج به وصال نرسیده به روش تاریخچه زندگی و داستان جنسی جمع‌آوری شده به روش تحلیل موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در

1. Multidimensional vaginal penetration disorder questionnaire

مجید صفاری نیا و همکاران: نقش تئوری تبادل اجتماعی در پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده

جدول 1. ویژگی‌های توصیفی و جمعیت‌شناختی

| ویژگی‌های جمعیت‌شناختی | | | | شاخص‌های توصیفی | | متغیر |
|------------------------|-----------------|--------------------|------------|------------------|---------|--------------------------------------|
| فرآوانی شغل | فرآوانی تحصیلات | میانگین مدت ازدواج | میانگین سن | انحراف استاندارد | میانگین | |
| 0/65 | 0/53 | 2/6 | 28 | 4/40 | 21/38 | سبک تبادل پیگیری |
| | | | | 5/45 | 25/07 | سبک تبادل انصاف |
| | | | | 4/57 | 22/58 | سبک تبادل فردگرایی |
| | | | | 5/51 | 30/00 | سبک تبادل منفعت‌طلبی |
| | | | | 3/10 | 14/09 | سبک تبادل سرمایه‌گذاری افراطی |
| | | | | 24/47 | 349/12 | نمره کل اختلال ازدواج به وصال نرسیده |

میزان تحصیلات لیسانس با فرآوانی درصدی 0/53، شغل کارمندی با فرآوانی درصدی 0/65 و میانگین مدت ازدواج 2 و سال 6 ماه بود. جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مورد پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره 2 ارائه شده است.

همان‌طور که جدول شماره 1 نشان می‌دهد میانگین نمرات در سبک پیگیری 21/38، انصاف 25/07، فردگرایی 22/58، منفعت‌طلبی 30 و سبک تبادل سرمایه‌گذاری افراطی 14/09 است. میانگین نمره اختلال درد جنسی هم 349/12 است. همچنین خصوصیات گروه نمونه عبارت‌اند از میانگین سنی گروه نمونه 28 سال، بیشترین

جدول 2. ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد پژوهش

| متغیرها | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 |
|---------------------------------|----------|-----------|-----------|-----------|-----------|---|
| 1 سبک تبادل پیگیری | 1 | | | | | |
| 2 سبک تبادل انصاف | **0/705 | 1 | | | | |
| 3 سبک تبادل فردگرایی | ** -0/39 | ** -0/617 | 1 | | | |
| 4 سبک تبادل منفعت‌طلبی | 0/126 | ** -0/418 | ** -0/758 | 1 | | |
| 5 سبک تبادل سرمایه‌گذاری افراطی | **0/641 | **0/748 | ** -0/691 | ** -0/522 | 1 | |
| 6 اختلال ازدواج به وصال نرسیده | **0/244 | **0/289 | ** -0/379 | ** -0/283 | **0 -/277 | 1 |

**p<0/01 *p<0/05

همه سبک‌های تبادل اجتماعی شامل مؤلفه‌های

همان‌طور که جدول شماره 2 نشان می‌دهد،

وصال نرسیده از رگرسیون چندمتغیری گام به گام استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است. لازم به ذکر است که پیش فرض های رگرسیون شامل استقلال خطاها، هم خطی و توزیع نرمال قبل از تجزیه و تحلیل اطلاعات باید مورد بررسی قرار گیرد که در جدول 3 ارائه شده است.

پیگیری ($r=0/244$ و $p=0/001$)، سرمایه گذاری افراطی ($r=-0/277$ و $p=0/0001$)، انصاف ($r=0-0/379$ و $p=0/0001$)، منفعت طلبی ($r=0/283$ و $p=0/0001$) و فردگرایی ($r=0/7$ و $p=0/289$) رابطه معنی داری با اختلال ازدواج به وصال نرسیده وجود دارد ($p<0/05$).

همچنین، جهت بررسی نقش پیش بینی کنندگی سبک های تبادل اجتماعی بر ازدواج به

جدول 3. پیش فرض های آماری روش رگرسیون در مورد متغیرهای مورد پژوهش

| Durbin Watson | Collinearity | | کلموگروف اسمیرنوف | | شاخص |
|---------------|--------------|-----------|-------------------|-------|---------------------|
| | VIF | tolerance | سطح معنی داری | آماره | |
| 1/9 | 1/17 | 0/848 | 0/2 | 0/038 | پیگیری |
| | 1/9 | 0/523 | 0/2 | 0/053 | سرمایه گذاری افراطی |
| | 1/05 | 0/947 | 0/28 | 0/109 | انصاف |
| | 1/35 | 0/425 | 0/07 | 0/079 | منفعت طلبی |
| | 1/62 | 0/620 | 0/065 | 0/081 | فردگرایی |

که در پژوهش حاضر برای متغیر پیگیری ($p=0/2$)، سرمایه گذاری افراطی ($p=0/2$)، انصاف ($p=0/28$)، منفعت طلبی ($p=0/07$) و فردگرایی ($p=0/065$) به دست آمد؛ بنابراین پیش فرض های رگرسیون در پژوهش حاضر مورد بررسی و تائید قرار گرفت.

جهت بررسی نقش پیش بینی کنندگی سبک های تبادل اجتماعی بر ازدواج به وصال نرسیده از رگرسیون چندمتغیری گام به گام استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول 4 و 5 ارائه شده است.

استقلال خطاها توسط آماره Durbin Watson به دست آمد و مقدار آن 1/9 و نشان از مستقل بودن خطاها بود. همچنین هم خطی توسط آزمون collinearity به دست آمد که توسط دو مؤلفه tolerance و VIF مورد بررسی قرار می گیرد و باید ارزش tolerance متغیرها بیشتر از 0/1 و ارزش VIF متغیرها کمتر از 10 باشد که در پژوهش حاضر برای متغیر ملاک ارزش tolerance و ارزش VIF در حد مطلوب است. توزیع نرمال توسط آماره کولموگروف اسمیرنوف سنجیده می شود که مقدار آن باید $p>0/05$ باشد

مجید صفاری نیا و همکاران: نقش تئوری تبادل اجتماعی در پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده

جدول 4. نتایج رگرسیون گام به گام ازدواج به وصال نرسیده بر اساس سبک‌های تبادل اجتماعی

| مدل | مدل | Ss | Df | Ms | F | P | R | R ² |
|-----|-----------|-----------|-----|----------|-------|--------|-------|----------------|
| 1 | رگرسیون | 18821/19 | 1 | 18821/19 | 36/51 | 0/0001 | 0/379 | 0/143 |
| | باقیمانده | 112374/48 | 218 | 515/46 | | | | |
| | کل | 131195/68 | 219 | | | | | |

جدول 5. ضرایب رگرسیون گام به گام ازدواج به وصال نرسیده بر اساس سبک‌های تبادل اجتماعی

| مدل | متغیر پیش‌بین | ضریب B | ضریب بتا | t | P |
|-----|---------------------|--------|----------|--------|--------|
| 1 | ثابت | 394/98 | | 51/09 | 0/0001 |
| | انصاف | -2/02 | -0/379 | -6/04 | 0/0001 |
| 1 | پیگیری | 0/546 | 0/098 | 0/994 | 0/321 |
| | فردگرایی | 1/76 | 0/078 | -2/81 | 0/49 |
| | منفعت‌طلبی | 0/164 | 0/037 | -0/36 | 0/719 |
| | سرمایه‌گذاری افراطی | 0/615 | 0/06 | -0/692 | 0/586 |

نقش سبک‌های تبادل اجتماعی در پیش‌بینی اختلال ازدواج به وصال نرسیده صورت گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که اختلال ازدواج به وصال نرسیده با همه سبک‌های تبادل اجتماعی شامل پیگیری، فردگرایی و منفعت‌طلبی انصاف و سرمایه‌گذاری افراطی رابطه معنی‌دار دارند، اما فقط سبک انصاف می‌تواند اختلال ازدواج به وصال نرسیده را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها با نتایج پیشین همخوانی دارد (خجسته مهر و همکاران، 2012؛ مولایی نژاد و همکاران، 2014؛ عزیزپور و صفارزاده، 2016؛ استفنسون و مستون، 2011؛ کلارک و همکاران، 2015؛ هوپ، 2014؛ وامویی و همکاران، 2015؛ سانچز - فترز و سانتوس - ایگلاس، 2016؛ شریفیان و همکاران، 1397).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، مطابق با نظریه تبادل اجتماعی حفظ یا انحلال یک رابطه مبتنی بر نحوه تبادل پاداش‌ها و هزینه‌های بین

همان‌طور که جداول 4 و 5 نشان می‌دهد، پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده بر اساس سبک‌های تبادل اجتماعی فقط در سبک انصاف معنادار است ($B=-2/02$). ضریب تأثیر پیگیری، فردگرایی، منفعت‌طلبی و سرمایه‌گذاری افراطی به ترتیب ($B=0/64$ ، $B=1/76$ ، $B=0/54$ و $B=0/61$) است؛ بنابراین با توجه به این یافته‌ها فقط سبک انصاف می‌تواند، ازدواج به وصال نرسیده را پیش‌بینی کند و بقیه سبک‌ها قادر به پیش‌بینی ازدواج به وصال نرسیده نیستند. همچنین روش تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام نشان داد، سبک انصاف 14 درصد ($R^2=0/143$) از واریانس ازدواج به وصال نرسیده را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری و بحث

همان‌طور که بیان شد، این پژوهش با هدف بررسی

جنسی پاداش‌ها زیاد و هزینه‌ها کم باشند. دوم اینکه سطوح مقایسه پاداش‌ها و هزینه‌ها نسبت به آنچه انتظار می‌رود، مطلوب ارزیابی شود و سوم اینکه بین هزینه‌ها و پاداش‌ها درون یک رابطه جنسی تعادل وجود داشته باشد. اسپرچر (2001) مطابق با این دیدگاه فرمولی را برای رضایت جنسی تعریف می‌کند که عبارت‌اند از:

$$\text{رضایت جنسی} = (\text{پاداش} - \text{هزینه}) + (\text{سطوح مقایسه پاداش} - \text{سطوح مقایسه هزینه}) + (\text{برابری پاداش} - \text{برابری هزینه}).$$

بنابراین طبق تئوری تبادل اجتماعی، زوجینی که در مقایسه هزینه و پاداش‌ها نتیجه این ارزیابی را منصفانه درک کنند به احتمال زیاد از ازدواج خود راضی هستند؛ بنابراین این حالت یکی از بدیهیات شناخت اجتماعی است که نظریه تبادل اجتماعی نیز نشان می‌دهد (تیابوت و کلی، 1959 به نقل از ناکونزی و دتن، 2008). لذا نتیجه پژوهش حاضر قابل تبیین است؛ طبق نتایج به دست آمده فقط سبک انصاف می‌تواند اختلال ازدواج به وصال نرسیده را تبیین کند. طبق این دیدگاه، روابط زوجی یک مثال از روابط تعاونی است و مانند کلیه روابط تعاملی می‌بایست از عدالت و روابط صحیح بین فردی تشکیل شود (کوگان² و همکاران، 2010). در این تئوری زوجین آگاهانه و یا ناآگاهانه دائماً در حال احتساب سودی هستند که از مشارکت در رابطه نصیبشان می‌شود. در واقع آن‌ها در جستجوی عدالت و برقراری تعادل بین درون داده‌ها و برون داده‌ها هستند. لذا اگر زوجین احساس عدم انصاف کنند، بی‌تردید در کارکردهای زناشویی از

اعضای رابطه است؛ به عبارت دیگر حفظ یا انحلال یک رابطه به این بستگی دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش‌های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین شناخت حاصل از محاسبه آگاهانه یا ناخودآگاه هزینه‌ها و مزایای مربوط به ادامه یا خاتمه یک رابطه، وضعیت آن رابطه را تعیین می‌کند. بر اساس این تئوری افراد به دنبال مبادلات پاداش‌دهنده هستند و تلاش کمتری را برای حفظ هزینه‌ها و مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند. روشن است که یک فرد در یک رابطه باقی می‌ماند اگر جاذبه‌های درونی آن قوی‌تر از جاذبه‌های بیرونی آن باشد و بالعکس؛ بنابراین می‌توان گفت که رویکرد تبادل اجتماعی با رفتارها و احساسات جنسی رابطه متقابل خاصی دارد و می‌توان گفت ادراک زن در تعامل اجتماعی با شوهر در هنگام درخواست و انجام رابطه جنسی می‌تواند رفتار جنسی و هیجان‌ها و لذت همراه با آن را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهد (سانچز - فتنز و سانتوس - ایگلاس، 2016). مطابق با تئوری تبادل اجتماعی، تیابوت و کلی (1959 به نقل از ناکونزی و دتن، 2008) معتقدند، وقتی سود (پاداش‌ها - هزینه‌ها) از تبادل زناشویی عادلانه درک شود، تمایل به پیشرفت و همبستگی در روابط زناشویی وجود دارد. همبستگی در یک رابطه زناشویی فقط بر اساس تجارب پاداش و هزینه‌های گذشته نیست، بلکه انتظارات پاداش و هزینه‌ها در مبادلات آینده را هم شامل می‌شود. اسپرچر¹ (2001) نیز معتقد است که سه شرط برای داشتن رضایت جنسی در این تئوری تعریف می‌شود. اول اینکه درون رابطه

2. Kogan

1. Sprecher

1391)؛ بنابراین شرکت زنان در اجتماع با خواستن تساوی حقوق بین زن و مرد و مسئله انصاف همراه شد. ادراک برابری خواهی آن‌چنان مهم است که در مسائل کم‌اهمیت‌تر مانند تقسیم کارهای خانگی هم تأثیرگذار بوده است؛ مطابق با مطالعه کلفی و میکلسون⁵ (2009) که بیان کردند، ادراک انصاف از تقسیم کارهای خانگی بر ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد.

از طرفی رابطه غیرمنصفانه با افسردگی، رنجش، احساس فریب خوردن و یا محروم شدن (سالیوان⁶، 2008)، همچنین اضطراب و پریشانی (هاتفیلد، سالمون و راپسون⁷، 2011، دماریس⁸، 2007؛ بنجامین⁹، 2004؛ پری، 2004) همراه است. از طرفی پیشینه مطالعاتی هم حاکی از ارتباط اضطراب با اختلالات جنسی است، به طوری که تأثیر عواملی از جمله اضطراب بر مشکلات جنسی بخصوص در زنان تأیید شده است و تقریباً در تمامی اختلالات جنسی زنان، اضطراب نقش دارد (پاین¹⁰، 2005؛ ناصری و همکاران، 2015؛ شریفیان و همکاران، 1397 a). وارد و اوگدن¹¹ (2010) معتقدند که بیشترین علت اختلال ازدواج به وصال نرسیده اضطراب و ترس از درد است. امین سلطانی و همکاران (1381) نیز طی مطالعه‌ای در ایران بیان کردند که 48 درصد از زنان مبتلا به اختلال ازدواج به وصال نرسیده که به کلینیک مراجعه کرده بودند،

جمله روابط جنسی دچار مشکل خواهند شد. از طرفی شیوع این اختلال مطابق با این نظریه هم قابل تبیین است. امروزه تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب تغییر ساختار خانواده و الگوی روابط و اعضای آن با یکدیگر و به تبع آن زن و شوهر شده، که نتیجه این امر تمایل بیشتر زن به انصاف و عدالت در روابط زناشویی است (نوکاریزی، 1393). از طرفی مطالعات نشان می‌دهد که ادراک انصاف به عنوان پیش‌بینی کننده‌ی قوی رضایت زناشویی در مراحل اولیه‌ی رابطه زوجها است (تراپمن، پترسون و هاتفیلد³، 1983؛ خجسته مهر و همکاران، 1391). لاید، کیت و هنتون⁴ (1982) نیز طی مطالعه‌ای بیان کردند که انصاف پیش‌بین قوی رضایت از رابطه است؛ بنابراین طبق نظریه انصاف که بر مبنای نظریه تبادل اجتماعی است، رضایت افراد از یک رابطه برحسب ارزیابی ادراک آن‌ها از توزیع منصفانه یا غیرمنصفانه منابع در طی روابط میان فردی بررسی می‌شود. اسپرچر (2001) نیز معتقد است که ادراک انصاف به احساس تعادل بین پیامدها (پاداش و هزینه) و سرمایه‌گذاری شرکا (زن و شوهر) در ارتباط بستگی دارد. امروزه ادراک انصاف عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در چگونگی روابط زناشویی است در حالی که در ازدواج سستی جایگاه و نقش افراد محدود و مشخص بود، اما با گذشت زمان و پررنگ شدن نقش زنان در اجتماع اوضاع فرق کرد. اشتغال زنان باعث شد که در درآمدزایی خانواده با همسر خود شریک شوند و این امر افزایش اقتدار و نقش آن‌ها در خانواده شد (خجسته مهر و همکاران،

5. Claffey & Mickelson

6. Sullivan

7. Hatfield, E., Salmon, M., & Rapson

8. Demaris

9. Benjamin

10. Payne

11. Ward & Ogden

3. Traupmann, Peterson & Hatfield

4. Llyod, Cate & Henton

همسران را افزایش داده که این امر کیفیت رابطه زناشویی را بالا می‌برد. پاتریک¹⁵ و همکاران (2013) نیز نشان دادند، وجود اعتماد در رابطه زناشویی بخشش را بین زوجین افزایش می‌دهد که باعث می‌شود؛ مسائل کوچک را نادیده بگیرند و این امر موجب کیفیت رابطه زناشویی می‌شود. همچنین نوریس و زویگنهافت¹⁶ (2009) معتقدند که زوج‌هایی که سطح اعتماد بیشتری دارند، مدام اسندهای مثبت را نسبت به یکدیگر و رابطه‌شان ابراز می‌کنند و رضایت بالاتری از ازدواج خود دارند. از طرفی وقتی زوجین به هم اعتماد نکنند، افکار و احساسات خود را با هم در میان نمی‌گذارند و این عدم ابراز احساسات، ارتباط جنسی را دچار اختلال می‌کند. طبق پیشینه مطالعاتی عدم خودابرازگری جنسی با اختلالات جنسی از جمله اختلال ازدواج به وصال نرسیده در ارتباط است (اندرسون و سیرونواسکی¹⁷، 2009؛ شریفیان و همکاران، 1397؛ بهرامی و همکاران، 1392). به طور معمول زوج‌های طبیعی به سرعت و طی شش هفته به هم اعتماد می‌کنند و احساس‌های خود را به دیگری ابراز می‌کنند، ابراز نکردن امیال جنسی در ایجاد اختلال جنسی نقش مهمی بازی می‌کند (بهرامی و همکاران، 1392). در بسیاری از موارد همین بیان نکردن هیجان‌ها باعث می‌شود، یک مشکل جنسی، مدت بسیار طولانی تداوم یابد، زیرا تا در مورد مسائل صحبت نشود، حل نمی‌شوند. شاید یکی از عواملی که باعث می‌شود، این اختلال سال‌ها دوام یابد، همین مورد باشد. از طرفی صحبت

اضطراب داشتند. اضطراب از طریق کاهش توجه به محرک‌های مربوط به تکلیف و افزایش تمرکز به محرک‌های وابسته به تهدید، موجب تخریب عملکرد می‌شود. در حقیقت اضطراب با ایجاد شناخت‌های منفی راجع به موضوعاتی مانند شکست یا ناتوانی در انجام فعالیت جنسی منجر به حواس‌پرتی شناختی هنگام عمل جنسی شده که می‌تواند باعث اختلال جنسی گردد (علی‌اکبر دهکردی، محمدی، علی‌پور و محتشمی، 2017)؛ بنابراین در اختلال ازدواج به وصال نرسیده، عدم ادراک انصاف منجر به اضطراب می‌شود و اضطراب که خود نشانگر نوعی پاسخ ترس شرطی شده به تحریک جنسی است، منجر به رفتارهای اجتنابی در رابطه جنسی می‌شود (ترکولیه و همکاران، 2007).

از طرفی مطابق با نظریه تبادل اجتماعی، کلیدی‌ترین مفاهیم در این نظریه اعتماد و تعهد است (بلا¹²، 1964؛ کوک و امرسون¹³، 1978؛ به نقل از روزنبا، 2009). اعتماد به عنوان عنصر ضروری که اجازه می‌دهد افراد عادل باشند و انتظار عدالت درازمدت داشته باشند. تعهد هم شامل ایجاد ثبات در ارتباط از طریق سطح بالایی از پاداش متقابل است (روزنبا، 2009). در واقع اعتماد حس امنیت درباره رفتارهای پیش‌بینی نشده فرد دیگری است. مطالعات نشان داده است که سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی هم می‌شود (سیمپسون¹⁴، 2009). از طرفی آسوده، خلیلی، دانش پور و لواسانی (2010) نشان دادند که ادراک انصاف در رابطه زناشویی، اعتماد میان

15. Patrick

16. Norris, S. L., & Zweigenhaft

17. Andersen, B. & Cyranowski

12. Blau

13. Cook, D., & Emerson,

14. Simpson

ازدواج به وصال نرسیده نقش داشته باشد. مطمئناً طبق پیشینه مطالعاتی عوامل دیگری همچون احساس گناه، پیش‌بینی درد، کمی عزت‌نفس و احساس بی‌کفایتی (علی‌اکبری دهکردی و همکاران، 2017)، ... در این اختلال نقش دارند؛ منتها مطالعه حاضر سعی کرد تا از دیدگاه روانشناسی اجتماعی به این اختلال بنگرد. با توجه به اینکه اختلالات جنسی چندعاملی و چندبعدی هستند، بررسی از این منظر می‌تواند، بستری برای مطالعات آینده و زمینه‌ای برای مداخلات بالینی در حوزه روانشناسی اجتماعی آماده کند و مطمئناً دیدگاه روانشناسی اجتماعی در کنار سایر رویکردها می‌تواند، برای فهم عوامل مؤثر در اختلالات جنسی به‌ویژه اختلال ازدواج به وصال نرسیده مفید و مؤثر باشد.

لذا، مطالعاتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش از جمله عدم کنترل طبقه اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای شخصیتی گروه نمونه و ویژگی‌های همسر، به نقش مداخله‌ای سبک انصاف جهت کاهش مشکلات جنسی زنان مبتلا به اختلال ازدواج به وصال نرسیده به درمانگران حوزه سلامت جنسی پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی پزشکان متخصص زنان و مدیران مسئول محترم کلینیک‌های نیک اندیشه پیشرو، درخشش تازه و کلینیک تخصصی اورولوژی زنان و سلامت جنسی، همچنین زنان مبتلا به اختلال ازدواج به وصال نرسیده که در پژوهش حاضر شرکت کردند و کلیه عزیزانی که ما را در انجام

درباره مسائل جنسی در بسیاری از جوامع امری شرم‌آور است و این مسئله بسیار وابسته به فرهنگ و نگاه‌های قومیتی است. به عنوان مثال زنان در فرهنگ ما پذیرفته‌اند که درباره تمایلات جنسی خود در زندگی زناشویی کمتر صحبت کنند و نارضایتی خود را کمتر ابراز کنند. آن‌ها با این کلیشه روبه‌رو هستند که «یک زن خوب هرگز راجع به رفتار جنسی خود صحبت نمی‌کند». از سوی دیگر تأکید بر دست نخوردگی و دوشیزگی تا زمان ازدواج، به عنوان یک ارزش اجتماعی و برهنه شدن در شب اول عروسی و وارد شدن به نقطه ممنوعه که جامعه، ارزش زندگی دختر را تا حد زیادی وابسته به آن می‌داند، فرد را با یک دوگانگی روبه‌رو می‌کند. دوگانگی بین آنچه نباید می‌شد و اکنون باید بشود. (مولائی نژاد و همکاران، 1392)؛ بنابراین داشتن تعهد و اعتماد که از کلیدی‌ترین اجزای تئوری تبادل اجتماعی است، با ادراک انصاف یا همان برابرخواهی در بستر کلیشه‌های فرهنگی در ارتباط است. به عبارتی وقتی رابطه زناشویی منصفانه نباشد، اعتماد بین زن و شوهر کاهش پیدا می‌کند، این کاهش اعتماد از طرفی منجر به عدم خودابرازگری جنسی و از طرفی هم موجب ادراک عدم انصاف می‌شود که این عوامل یک چرخه معیوب در رابطه جنسی بین زن و شوهر ایجاد می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت، عدم ادراک انصاف از طرف زنان منجر به اضطراب در رابطه جنسی، عدم اعتماد و عدم خودابرازگری جنسی می‌شود که این عوامل در بستر انتظارات و کلیشه‌های فرهنگی - اجتماعی می‌توانند در اختلال جنسی

این مطالعه یاری کردند، کمال تشکر را داریم.

منابع

- امین اسماعیلی، م؛ آذر، م؛ ایران پور، چ (1381). «شیوع علائم اضطرابی در بیماران مبتلا به واژینیسموس ارجاع شده به یک کلینیک خصوصی در تهران». فصلنامه باروری و ناباروری، 4 (2): 156-163.
- بهرامی، ه؛ افتخار، م؛ کیامنش، ع.ر؛ سخندان، ف (1392). «عملکرد و خود ابرازی جنسی در زوج‌های با ازدواج به وصال نرسیده». مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی، 19 (2): 149-155.
- خجسته مهر، ر؛ فرامرزی، س؛ رجبی، غ.ر (1391). «بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی». مجله مطالعات روان‌شناختی، 8 (1): 30-50.
- شریفیان، م؛ صفاری نیا، م؛ علیزاده فرد، س (1397a). «نقش طرح‌واره‌های جنسی با میانجیگری سبک انصاف در پیش‌بینی اختلال درد جنسی: بررسی مدل معادلات ساختاری». روانشناسی سلامت، 7 (22): 169-190.
- شریفیان، م؛ صفاری نیا، م؛ علیزاده فرد، س (1397b). «بررسی مدل ساختاری اختلال
- واژینیسموس بر اساس متغیرهای سازگاری زناشویی، خودابرازگری جنسی و اضطراب رابطه جنسی و سبک‌های تبادل اجتماعی». پژوهش در سلامت روان‌شناختی، 12 (4): 49-65.
- صفاری نیا، م. (1394). *آزمون‌های روانشناسی اجتماعی و شخصیت*. انتشارات ارجمند، تهران.
- عزیزپور، پ؛ صفرزاده، س (1395). «نقش تعدیل‌کننده ادراک انصاف و رفتارهای فداکارانه در رابطه صمیمیت با همسر و کیفیت زناشویی». *خانواده پژوهی*، 12 (47): 391-411.
- مولائی‌نژاد، م؛ مرقاتی خویی، ع؛ لطیف نژاد رودسری، ر؛ صالحی، م؛ یوسفی، ع.ر (1392). «نظریه کلیشه‌های جنسی و سازه‌های ازدواج به وصال نرسیده». *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، 11 (4): 1-17.
- نوکاریزی، ح (1393). دیدگاه فهمی، برابرنگری رفتارهای فداکارانه شوهران به عنوان پیش‌بینی‌های ادراک انصاف زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

- and Increasing Sexual Function in People with Vaginismus". *IJHS*, 3(2):15-20.
- Andersen, B. & Cyranowski, J.M. (2009). "Women sexuality: behaviors, responses and individual difference". *NIH public access*, 63 (6): 891-906.
- Asoodeh, M.H., Khalili, S., Daneshpour, M. & Lavasani, M.G. (2010). "Factors of successful marriage: Accounts from self-described happy couples". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042-2046.
- Banerjee, K. & Singla B. (2017). "Pregnancy Outcome of Home Intravaginal Insemination in Couples with Unconsummated Marriage". *J Hum Reprod Sci*, 10(4):293-296.
- Benjamin, J.P. (2004). The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African American's and Caucasians. Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy: The Ohio State University.
- Balint, M. (1961). *The Other Part of Medicine*. Lancet, 1, 40-42.
- Bokaie, M., Khalesi, Z.B., & Yasini-Ardekani, S.M. (2017). "Diagnosis and treatment of unconsummated marriage in an Iranian couple". *Afri Health Sci*, 17(3): 632-636.
- Basson, R. (2005). "Women sexual dysfunction: Revised and expanded definitions". *Synthesis*, 172(10):1327-33.
- Baumeister, R.F. (2014). "Sexual Economics: Sex as Female Resource for Social Exchange in Heterosexual Interactions". *Personality and Social Psychology Review*, 8 (4): 339-363.
- Clark, S., Kabiru, C. & Mathur, R. (2015). "Relationship transitions among youth in urban Kenya". *Journal of Marriage and Family*. 72:73-88.
- Claffey, S.T. & Mickelson, K. (2009). "Division of household labor and distress: The role of perceived fairness for employed mothers". *Sex Roles*, 60(1): 819-831.
- Chakrabarti, N. & Sinha, V.K. (2002). "Marriage consummated after 22 years: a case report". *Journal of Sex & marital therapy*; 28(4):301-4.
- Cornwall, A. (2014). "Spending power: Love, money, and the reconfiguration of gender relations in Ado-Odo, southwestern Nigeria". *American Ethnologist*; 29(4): 963-980.
- Demaris, A. (2007). "The role of relationship inequity in marital disruption". *Journal of Social and Personal Relationships*, 2,177-195.
- Hatfield, E., Salmon, M. & Rapson, R. L. (2011). "Equity theory and social justice". *Journal of Management, Spirituality, and Religion*, 8, 101-121.
- Hope, R. (2014). *Addressing cross-generational sex: A desk review of research and programs*. Washington, DC: Population Reference Bureau.
- Haeberle, E.J. (2011). *The Sex Atlas.revised*. New York, the Continuum Publishing Company, 575 Lexington Avenue, 10022.
- Izadi Dehnavi, S., Yaghubi, H. & Heydari Nasab, L. (2016). "Simultaneous Changes of Depression and Anxiety Symptoms with Variations in Sexual

- Function of Young Married Women". *Scientific Journal of Hamadan University of Medical Sciences*, 23(3): 227-235.
- Kenrick, D.T., Li, N.P. & Butner, J. (2003). "Dynamical evolutionary psychology: Individual decision rules and emergent social norms". *Psychol Rev.* 110(1): 3-28.
- Kogan, A., Impett, E.A., Oveis, C.H., Hui, B., Gordon, A.M. & Keltner, D. (2010). "When giving feels good: The intrinsic benefits of sacrifice in romantic relationships for the communally motivated". *Psychological Science*, 21(12): 1918-1924.
- Kyle R.S. & Cindy M.M. (2011). "The Canadian Journal of Human Sexuality". *Toronto*, 20(1/2): 31-40.
- Lloyd, S., Cate, R.M. & Henton, J. (1982). "Equity and rewards as predictors of satisfaction in casual and intimate relationships". *Journal of Psychology*, 110: 43-48.
- Leybman, M., Zuroff, D.C., Fournier, M.A., Kelly, A.C. & Martin, A. (2011). "Social exchange styles: Measurement, validation, and application". *Personality*, 25(3):198-210.16.
- Saffarinia, M. (2015). *Social psychology and personality tests*. Arjmand Publication, Tehran.
- Molaeinezhad, M., Merghati khoei, E., Latifnejad Roudsari, R., Salehi, M. & Yousefy, A. (2013). "Sexual Scripts theory and the constructs of unconsummated marriage". *J Res Behave Sci*; 11(4): 289-305
- Molaie Nezhad, M., Yousefi, A., Salehi, N., Latifnejad Roudsari. R. & Salehi, P. (2014). "Validation of the partner version of the multidimensional vaginal penertaion disorder questionnaire: Atool for clinical assessment of lifelong vaginismus in a sampel of Iranian population". *Iranian Journal of Reproductive Medicine*, 29 (3): 114.
- Makovac, E., Meeten, F., Watson, D.R., Garfinkel, S.N., Critchley, H.D. & Ottaviani, C. (2016). "Neurostructural abnormalities associated with axes of emotion dysregulationin generalized anxiety". *Neuroimage Clin*, 10, 172-18.
- Nakonezny, P.A. & Denton, W.H. (2008) "Marital Relationships: A Social Exchange Theory Perspective". *The American Journal of Family Therapy*, 36(5): 402-412.
- Naseri, A., Malekirad, A.A., Gorjnia, A., Ashayeri, H., Fathi, A. & Fathi, A. (2015). "Unconsummated Marriage". *Health*, 7, 207-210.
- Norris, S.L. & Zweigenhaft, R.L. (2009). "Self- monitoring, trust and commitment in romantic relationship". *Journal of social psychology*, 139, 215-221.
- Ozdemir, O., Simsek, F., Ozkardes, S., Incesu, C. & Karakoc, B. (2008). "The unconsummated marriage: its frequency and clinical characteristics in a sexual dysfunction clinic". *Journal of sex & marital therapy*; 343:268-79.
- Perry, B.J. (2004). The relationship between equity and marital qualityamong Hispanics, African, Americans and Caucasians. Doctoral Dissertation. Ohio State University.
- Payne, K.A., Binik, Y.M., Amsel, R. & Khalife, S. (2005). "When sex hurts,

- anxiety and fear orient attention toward Pain". *European Journal of pain*; 427-436.
- Patrick, S., Bechenbach, J., Sells, J. & Reardon, R.F. (2013). "An empirical investigation in to justice, grace, and forgiveness: Paths to relationship satisfaction". *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 21(2): 146-153.
- Rosenbaum, T.Y. (2009). "Applying theories of social exchange and symbolic interaction in the treatment of unconsummated marriage/relationship". *Sexual and Relationship Therapy*, 24(1): 38 -46.
- Sánchez-Fuentes, M.D.M. & Santos-Iglesias, P. (2016). "Sexual Satisfaction in Spanish Heterosexual Couples: Testing the Interpersonal Exchange Model of Sexual Satisfaction". *Journal of Sex & Marital Therapy*, 42(3): 223-242.
- Simpson, J. (2009). "Psychological foundations of trust". *Current Directions in Psychological Science*, 16, 261–268.
- Sprecher, S. (2001). "Equity and social exchange in dating couples: Associations with satisfaction". *Journal of Marriage and Family*, 63: 599-613.
- Sullivan, C.M. (2008). The role of communication, Life role commitments, and sexist ideologies in dual-earner marriages. The thesis of PHD in philosophy. University of Maryland.
- Thibaut, J.W. & Kelley, H.H. (1959). *The social psychology of groups*. NY: John Wiley & Sons
- Traupmann, J., Peterson, R. & Hatfield, E. (1981). "Measuring equity in intimate relations". *Applied Psychological Measurement*, 5: 467-480.
- Ter Kuile, M.M. & Weijenborg, P.T. (2010). "A Cognitive – behavioral group Program for Women with Vulvar Vestibulitis Syndrome (WS): factors associated with treatment Success". *Journal of Sex and Marital Therapy*, 32: 199-213.
- Ter Kuile, M.M., Van Lankveld, J.J.D.M., De Groot, E., Melles, R., Nefs, J. & Zand Bergen, M. (2007). "Cognitive – behavioral therapy for Women with lifelong vaginismus: Process and prognostic factors". *Behaviour Research and therapy*; 45(2): 359 – 373.
- Wamoyi, J., Fenwick, A., Urassa, M., Zaba, B. & Stones, W. (2015). "Women's bodies are shops: Beliefs about transactional sex and implications for understanding gender power and HIV prevention in Tanzania". *Archives of Sexual Behavior*. 40:5–15.
- Ward, E. & Ogden, J. (2010). "Experiencing Vaginismus – Sufferers' beliefs about causes and effects". *Sexual and Relationship Therapy*; 25(4): 434 – 446.

COPYRIGHTS



© 2019 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)